

## سیاست خارجی ایدئولوژیک؛ از نظریه تا عمل<sup>۱</sup>

محمد محمودی کیا

استادیار پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی  
mmahmoudikia@yahoo.com

### چکیده

طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تنظیم سیاست خارجی بر مبنای مفاهیم و ارزش‌های ایدئولوژیک و دینی بنیان نهاده شده است. لذا از این منظر، می‌توان سیاست خارجی ایران را نوعی «سیاست خارجی ایدئولوژیک» نامید. این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال است که سهم ایدئولوژی و عمل‌گرایی در کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چه میزان است و کدام یک، در عمل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اصالت بیشتری دارند؟

نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که هر چند هنجارها و ارزش‌های ایدئولوژیک در بیشتر کشورها به درجاتی در عمل سیاست خارجی تأثیرگذار هستند، ولی این ارزش‌ها سهم قابل توجهی در سیاست‌گذاری و اجرای سیاست خارجی ایران داشته و در حکم اصول راهبردی آن محسوب می‌شوند. در واقع، علی‌رغم دیدگاه غالب که سیاست خارجی ایران را سیاستی عمل‌گرایانه می‌داند، فرضیه اصلی این تحقیق بر این گزاره استوار است که ماهیت اصلی سیاست خارجی ایران، همچنان ایدئولوژیک بوده و رویکرد عمل‌گرایانه در سیاست خارجی ناشی از وجود منافع متعارض در نظام بین‌الملل و نیز محدودیت‌های ناشی از منابع قدرت ملی بر اساس نگاه تاکتیکی و نه راهبردی قابل توجیه است.

این تحقیق با کاربست نظریه رئالیسم نئوکلاسیک به عنوان چهارچوب نظری به بررسی نسبت ایدئولوژی و عمل‌گرایی در رفتار سیاست خارجی ایران در قالب یک الگوی تعاملی سه‌جانبه مشتمل بر عوامل سطح داخل همچون منافع ملی و هنجارها و نیز ماهیت و ساختار نظام بین‌الملل می‌پردازد.

**واژگان کلیدی:** سیاست خارجی، ایدئولوژی، عمل‌گرایی، راهبرد، تاکتیک، رئالیسم نئوکلاسیک.

۱. نویسنده بر خود لازم می‌داند از راهنمایی و ارائه پیشنهادات سازنده استاد ارجمند جناب آقای دکتر محمدرضا دهشیری، دانشیار دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تقدیر و تشکر نماید.

## بیان مسأله

این پژوهش در پی آن است نقش و نسبت «ایدئولوژی» و «عمل‌گرایی» در تنظیم رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را که طی چهار دهه اخیر بر مدار دو ویژگی «ایدئولوژیک» و «عمل‌گرا بودن» در نوسان بوده، بررسی نماید. چنانچه در یک نگاه کلی و به اذعان برخی از پژوهش‌ها، رفتار سیاست خارجی ایران در دهه نخست حیات خود، بیشتر تحت تأثیر ترجیحات ایدئولوژیک قرار داشته و در دهه‌های بعدی بیشتر به سوی عمل‌گرایی سوق پیدا کرده است. با این حال، این سؤال مطرح می‌شود که نوسانات موجود در تقدم و تأخر بین عمل‌گرایی و ایدئولوژی در کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، عملی تاکتیکی و ناشی از محدودیت‌های محیطی است و یا رویکردی راهبردی؟

طی دهه‌های اخیر، نوسان میان دو رویکرد عمل‌گرایانه و ایدئولوژیک سبب گردیده برداشت‌های متفاوتی از آن در محافل علمی برجای بماند. مثلاً، رخدادهایی چون تسخیر سفارت امریکا در تهران و در پی آن قطع روابط دیپلماتیک بین ایران و ایالات متحده، تنش مرزی و متعاقب آن جنگ هشت ساله ایران و عراق، حمایت از آرمان آزادی قدس و همچنین جنبش‌های رهایی‌بخشی فلسطینی همچون ساف، جهاد اسلامی و حماس و نیز صدور فتوای ارتداد سلمان رشدی، همگی از مصادیق و وجوه برجسته جنبه ایدئولوژیک‌گرای سیاست خارجی ایران تلقی شده‌اند؛ در حالی که مواردی چون پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، برقراری مجدد روابط دیپلماتیک با غرب در دوران اصلاحات، چرخش به سمت شرق و همکاری نزدیک با روسیه، مشارکت و حضور فعال در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی و نیز پذیرش برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) از جمله مصادیق اقامه شده در تأیید ادعای عمل‌گرا بودن سیاست خارجی ایران است.

به نظر می‌رسد تغییرات پیش آمده در محیط نظام بین‌الملل از جمله پایان جنگ سرد، وقوع فزاینده و پرشدت فرآیند جهانی شدن، ظهور تهدیدهای نوظهور برای نظم و امنیت بین‌المللی همچون گسترش تروریسم و افراط‌گرایی و سرانجام، سیاست‌های تهاجمی ایالات متحده پس از حوادث یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ که به حضور پررنگ نظامی این کشور در جهان و به‌ویژه در منطقه خاورمیانه منجر گردید، ماهیت ایدئولوژیک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تشدید کرده است. بر این اساس، چرخش‌های عمل‌گرایانه در سیاست خارجی ایران را می‌توان در چهارچوب

یک رویکرد تاکتیکی و نه راهبردی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. از این رو، ادعای اصلی این پژوهش بر این فرض استوار است که هرچند ایران در کنش سیاست خارجی خود در مواردی چرخش‌های عمل‌گرایانه داشته، با این حال، هسته سخت و لایتغیر رفتار سیاست خارجی آن همچنان ایدئولوژیک است. لذا، دستگاه سیاست‌گذاری و راهبری روابط خارجی ایران، در مواجهه با موانع و یا محدودیت در تعقیب اهداف و آرمان‌های ایدئولوژیک خود، به اتخاذ رویکرد تاکتیکی در قالب سیاست خارجی عمل‌گرا متمایل می‌گردد. بر این مبنای مواردی چون اسرائیل‌ستیزی، ضدژمونی‌گرایی و اتخاذ سیاست‌های مواجهه‌جویانه با امریکا در منطقه و همچنین تداوم سیاست حمایت از آرمان قدس، همچنان جزو اصلی‌ترین ویژگی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود؛ حتی تغییر دولت‌ها نیز تأثیری بر آن نداشته و در برخی مقاطع نیز در جهت تقویت و تشدید آن پیش رفته است.

### نسبت و هم‌بستگی ایدئولوژی و عمل‌گرایی در سیاست خارجی: بررسی ادبیات موجود

تا به اینجا می‌توان چنین ادعا نمود که در خصوص وجود رابطه میان ایدئولوژی و سیاست خارجی در بین اندیشمندان و محققان روابط بین‌الملل اختلاف نظری وجود ندارد. هر چند اصل این رابطه مورد تأکید و پذیرش محققان قرار گرفته؛ با این حال، دسته‌بندی‌های متفاوتی از مفهوم، ماهیت و کارکرد ایدئولوژی وجود دارد که تأکید عمده این تحقیق بر نظام ارزشی و هنجاری برآمده از ایدئولوژی اسلامی - شیعی استوار است که در ادامه سوابق و پیشینه ادبیات موجود در این رابطه بررسی می‌شود. روح‌الله رمضانی (۲۰۰۴) که از او به عنوان یکی از مطرح‌ترین چهره‌های مطالعات سیاست خارجی ایران یاد می‌شود، در مقاله‌ای با عنوان «ایدئولوژی و عمل‌گرایی در سیاست خارجی ایران»<sup>۱</sup> بر این باور است که تنش میان ایدئولوژی مذهبی و عمل‌گرایی در تاریخ ایران همواره ادامه داشته و انقلاب ایران سبب گردید این تنش در دوره معاصر به وضوح نشان داده شود. وی در ادامه چنین استدلال می‌کند که به نظر می‌رسد فرآیندهای پویایی بلوغ فرهنگی موجب شده توازن نفوذ به‌طور فزاینده‌ای از

1. Ideology and Pragmatism in Iran's Foreign Policy.

ایدئولوژی مذهبی به محاسبات عمل‌گرایانه منافع ملی در ایجاد و اجرای تصمیم‌های سیاست خارجی تغییر یابد.

آمبرین جاوید و همکاران (۲۰۱۶) در مقاله «نقش ایدئولوژی در سیاست خارجی: مورد مطالعه ایران»<sup>۱</sup> به بررسی نقش ایدئولوژی و عمل‌گرایی در سیاست خارجی ایران پرداخته و با تأکید بر اولویت سیاسی ایران مبنی بر طرح‌های ضد همومونیک‌گرا و ضد امپریالیستی قدرت‌های بزرگ در دوره پسا جنگ سرد، آن را ناشی از تقدیم و تأثیر ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران می‌دانند. از این رو، به علت منازعات ایدئولوژیک و اولویت‌های سیاسی بین ایران و ایالات متحده، روابط صمیمانه قبلی بین دو کشور به حالت تعلیق درآمده و ایالات متحده به جهت ملاحظات راهبردی در منطقه پس از پایان جنگ سرد، بیشتر بر بُعد ایدئولوژیک خود متمرکز شده است. نگارندگان این مقاله نتیجه می‌گیرند که به نظر می‌رسد به علت تغییرات پیش آمده در نظام بین‌الملل و به طور خاص پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ایران بیشتر به حالت عمل‌گرایانه در حوزه سیاست خارجی گرایش داشته باشد.

مقاله «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: ایدئولوژی و عمل‌گرایی در ایران»<sup>۲</sup> به قلم عماد خلیلی (۲۰۱۶) با توجه به انگیزش‌های عمل‌گرایانه در سیاست خارجی ایران به تجزیه و تحلیل رویکرد ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. به باور نگارنده، با پایان دوره جنگ، ایران به بازیگری منطقی، عمل‌گرا و فعال در عرصه سیاست خارجی تبدیل شده و اینکه گفتگوی بین ایران و غرب، نتایج مهمی را برای تحقق صلح در خاورمیانه به همراه خواهد داشت. از منظر خلیلی، جمهوری اسلامی ایران با وجود اشتها به تعصبات مذهبی و پس از پایان جنگ با عراق، خود را به عنوان یک بازیگر منطقی در عرصه سیاست خارجی مخصوصاً بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و به طور ویژه پس از ۲۰۰۳ ارتقا داده است که این تعهد میان ایران و غرب، ممکن است موجب خروج ایران از انزوای بین‌المللی شده و آینده روشن اقتصادی آن را رقم بزند. به اعتقاد نگارنده، ترکیب تحریم‌های اقتصادی و تهدید به مداخله نظامی علیه ایران به جز بی‌زاری و نفرت بیشتر، هیچ اثری دیگری نداشته است.

1. Role of Ideology in Foreign Policy: A Case Study of Iran.

2. The Foreign Policy of Islamic Republic of Iran: Ideology and Pragmatism in Iran.

شهرزاد ابراهیمی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و اسازانه نقش ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران و پیوند آن با واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی» چنین ادعا می‌کند که سیاست خارجی ایران از نظر ایدئولوژیک و دینی بودن نظام سیاسی، ایدئولوژیک‌محور است و بررسی و اسازانه مفهوم ایدئولوژی، سیاست خارجی و مفهوم منافع ملی در دو نظریه آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی نشان می‌دهد نقش ایدئولوژی در سیاست خارجی بسیاری از کشورها در طیفی ضعیف تا زیاد بوده، اما در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران گسترده‌تر می‌باشد. به باور نگارنده، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند سنتزی از واقع‌گرایی و لیبرالیسم با پوسته ایدئولوژی یا ملبس به ایدئولوژی و در عین حال عدم وفاداری محض به هر دو رهیافت تلقی گردد.

مقاله‌ای دیگر به قلم ذاکریان و حسن‌پور (۱۳۸۸) با عنوان «تأثیر ایدئولوژی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با جمهوری خلق چین» چنین ادعا می‌کند که چین به دلیل قابلیت‌ها و توانایی‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی خود و نیز به جهت دوقطبی بودن نظام بین‌الملل وقت و مهیا بودن شرایط، توانست از ایدئولوژی به عنوان ابزاری برای هویت‌سازی استفاده کند، در حالی که جمهوری اسلامی ایران برای بهره‌برداری از ایدئولوژی، این شرایط و توانمندی‌ها را در اختیار نداشته است. در ضمن، ایدئولوژی مارکسیستی چین به سبب ریشه نداشتن در فرهنگ باستانی و ملی کشور خود، دوام و پایداری چندانی نداشته؛ حال آنکه کنار گذاشتن و یا تعدیل ایدئولوژی انقلاب اسلامی به علت ریشه داشتن در فرهنگ ملی ایرانیان ممکن نبوده و یا کار آسانی نیست. در مجموع، با توجه به پیشینه و سوابق موجود، این‌گونه به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی ایران در جهت‌گیری‌های ظاهراً متعارض در رفتار سیاست خارجی، بیشتر بر تغییر تاکتیک دلالت داشته و همچنان هسته سخت رفتار سیاست خارجی خود را بر اساس ترجیحات ایدئولوژیک انتظام می‌بخشد. نگارنده برای اثبات فرضیه خود، الگوی تعاملی سه‌جانبه‌ای را پیشنهاد می‌دهد که مشخص می‌کند تدبیر پردازان و سیاست‌گذاران سیاست خارجی از بین دو گونه الگوی کنش سیاست خارجی عمل‌گرا و سیاست خارجی ایدئولوژیک، کدام یکی را انتخاب می‌کنند. تلقی تاکتیکی از رفتار سیاست خارجی ایران به عنوان یک پوسته در حال تغییر و نیز تأکید بر نقش ایدئولوژی در تنظیم سیاست‌گذاری‌ها و نیز تعیین اولویت‌های سیاست خارجی، نوآوری تحقیق پیش رو به حساب می‌آید.

## چهارچوب نظری: واقع‌گرایی نئوکلاسیک

با عنایت به تأثیرگذاری و نقش هر دو سطح تحلیل نظام و واحد در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سیاست خارجی، از واقع‌گرایی نئوکلاسیک به عنوان چهارچوب نظری این پژوهش استفاده شده است. نظریه رئالیسم نئوکلاسیک، شاخه‌ای از واقع‌گرایی است که نخستین بار در مقاله گیدئون روز<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) با عنوان «رئالیسم نئوکلاسیک و نظریه‌های سیاست خارجی»<sup>۲</sup> مطرح گردید. او در این مقاله، چهارچوب جدیدی را برای تحلیل رفتار سیاست خارجی معرفی کرد. به اذعان وی، هدف واقع‌گرایی نئوکلاسیک، روزآمد کردن نظریه واقع‌گرایی کلاسیک و نوواقع‌گرایی از طریق ترکیب سطوح خرد داخلی با عوامل کلان و سیستمی برای تحلیل سیاست خارجی است. به بیان دیگر، واقع‌گرایی نئوکلاسیک بر خلاف دو برداشت واقع‌گرایی کلاسیک و نوواقع‌گرایی که به ترتیب بر متغیرهای سطح واحد و متغیرهای سیستمی در تحلیل رفتار بین‌المللی دولت‌ها تأکید می‌کند، با در پیش گرفتن رویکرد تلفیقی از سطوح تحلیل، بر تأثیر عوامل سیستمیک به عنوان متغیر مستقل و عوامل سطح واحد به عنوان متغیر مداخله‌گر یا میانجی در شکل‌دهی به سیاست خارجی دولت‌ها به عنوان متغیر وابسته تأکید دارد (Rose 1998: 154). بر این اساس، تمرکز اصلی رئالیسم نئوکلاسیک برای تبیین تغییر در سیاست خارجی بر متغیرهای میانجی است. از این منظر، متغیرهای میانجی عبارتند از متغیر ادراک و برداشت تصمیم‌گیرندگان و نیز متغیر ساختار و قدرت داخلی دولت‌ها که در مورد دوم بر موضوعاتی چون رژیم سیاسی، ساختار داخلی و بروکراسی دولتی تأکید می‌شود (نیاکویی و صفری ۱۳۹۶: ۹۲-۸۹).

در واقع، رئالیسم نئوکلاسیک، ویژگی‌های واحدها را به عنوان متغیرهای ذریبیط در اتخاذ سیاست خارجی بررسی می‌کند. لذا، مختصات رئالیسم نئوکلاسیک جایگاهی است میان ساختارگرایی که بر محدودیت و موانع سیستمی تکیه دارد و از طرف دیگر سطح واحدها. به عبارت دیگر، واقع‌گرایی نئوکلاسیک، تقلیل‌دهنده محدودیت‌های عینی ساختارگرایی است. هرچند در این نظریه، قدرت گنجانیده می‌شود و فرهنگ و هویت به دنبال قدرت می‌آیند، با این وجود، بیشترین تأکید هنوز روی دولت است (جلیلوند و مرادی ۱۳۹۲: ۱۴۱). لذا باید توجه داشت که رئالیسم نئوکلاسیک به عنوان

1. Gideon Rose.

2. Review: Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy.

یک مکتب فکری در داخل رئالیسم، به دنبال آن است متغیرهای سطح سیستمی و سطح واحد را درون یک چهارچوب تئوریک منسجم سازمان‌دهی کند و بعد از توضیحی، رئالیسم را تقویت کند. لذا چنانچه اشاره شد، رئالیسم نئوکلاسیک مبتنی بر فرضیه‌های رئالیسم است، از جمله اینکه دولت‌ها در محیط آنارشی به سر می‌برند و این محیط، دولت‌ها را به سمت کسب امتیاز و قدرت سوق می‌دهد؛ با وجود این، بر خلاف رئالیسم کلاسیک، تمرکز رئالیسم نئوکلاسیک تنها بر توزیع قدرت نیست، بلکه رئالیسم نئوکلاسیک به دنبال شناسایی راه‌هایی است که عوامل داخلی رفتار دولت‌ها را شکل می‌دهند (نیاکویی و صفری ۱۳۹۶: ۸۸-۸۷).

لازم به ذکر است که همه شاخه‌های پارادایم واقع‌گرایی در سه پیش‌فرض اساسی با یکدیگر اشتراک نظر دارند. در درجه نخست، دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی نظام بین‌الملل از ماهیت یکپارچه و عقلایی برخوردار هستند. همچنین، آنها دارای ارجحیت‌های معینی هستند که غالباً در تضاد با سایر دولت‌ها قرار دارد و در نهایت اینکه در نظام بین‌الملل که دارای خصوصیت آنارشیک و قیومیت‌گریز است، دولت‌ها در پی کسب قابلیت‌های مادی قدرت هستند. در این میان، واقع‌گرایان بر کنترل منابع مادی در جهان سیاست به عنوان هسته اصلی قدرت تأکید زیادی دارند، به گونه‌ای که معتقدند منابع مادی به عنوان یک واقعیت عینی، بر رفتار دولت در رابطه با سایر بازیگران تأثیر مهمی بر جای می‌گذارد. از این رو و از بین نظریات موجود واقع‌گرا، به نظر می‌رسد نظریه‌ای که از ظرفیت تبیینی بیشتری برای بررسی نقش و تأثیرات هر دو دسته از متغیرهای قدرت در دو سطح داخلی و بین‌المللی برخوردار باشد، نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک است (زیباکلام و عرب عامری ۱۳۹۳: ۱۷۶-۱۷۵).

در حالی که نوواقع‌گرایان، ارائه هرگونه تحلیل سیاست خارجی را نوعی تقلیل‌گرایی تلقی می‌کنند و بر باورند که ساختار نظام بین‌المللی، تنها متغیر تأثیرگذار بر رفتار سیاست خارجی دولتهاست؛ تلاش نظریه نئوکلاسیک برای ارائه یک چهارچوب تحلیلی سیاست خارجی، آن را از دیگر گونه‌های نظریات واقع‌گرا تمییز می‌دهد. با وجود این، واقع‌گرایان نئوکلاسیک در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های نظری ذیل هستند: دولتها تحت چه شرایطی منافع سیاسی خود را در عرصه خارجی گسترش می‌دهند؟ چه رابطه‌ای بین رفتار بیرونی و بسیج درونی یک دولت وجود دارد؟ نخبگان سیاسی از مفهوم قدرت در سیاست جهانی چه برداشت و درکی دارند؟ دولتها چگونه خود را

با تغییرات در قدرت نسبی هماهنگ کرده و با چه شیوه‌هایی با تهدیدات و فرصت‌های موجود در محیط بیرونی خود برخورد می‌کنند؟ (Schweller 2003: 315-318).

رنالیسم نئوکلاسیک، این ایده را از رنالیسم ساختاری عاریه می‌گیرد که عوامل سیستماتیک، بُعد کلی سیاست خارجی را تعیین می‌کند؛ اما این موضوع را نیز مد نظر قرار می‌دهد که متغیرهای داخلی در تصمیم‌گیری نهایی دخالت دارند. در حالی که توازن مادی نسبی پارامترهای سیاست خارجی را تعیین می‌کند، چرایی پیش گرفتن سیاست خارجی متفاوت کشورهای مختلف یا همسان در عرصه بین‌المللی را باید در متغیرهای داخلی جستجو کرد.

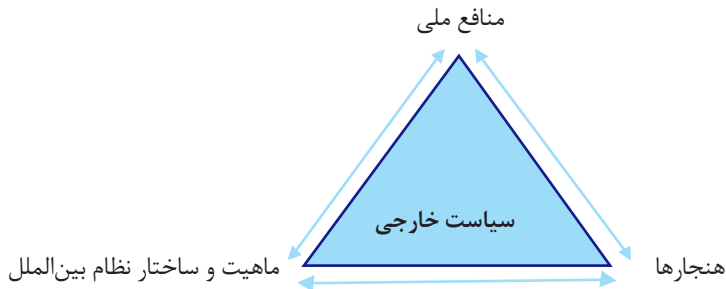
در مجموع، چنانچه مفروض است سیاست خارجی هر یک از بازیگران نظام بین‌الملل به طور عام، تحت تأثیر دو دسته از متغیرهای داخلی اعم از ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نیز متغیرهای وابسته به محیط (ماهیت و ساختار نظام بین‌الملل) قرار دارد. بر این مبنای سیاست خارجی هر کشور با هدف صیانت و نیز بیشینه‌سازی منافع ملی در نظام بین‌الملل سیاست‌گذاری و اجرا می‌شود؛ اما وجه متمایز سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تأثیرپذیری آن از ویژگی‌های ایدئولوژیک است. چنانچه بسیاری از کنش‌های اعمالی و اعلانی آن در چهارچوب بنیان‌ها و مفروضات ایدئولوژیک اتخاذ می‌شود.

با این وصف، سیاست خارجی جمهوری اسلامی در عمل نشان از انتخاب ترکیبی از رویکرد عمل‌گرایانه و ایدئولوژیک دارد که این تقدیم و یا تأخیر در اتخاذ هر یک از این رویکردها، بسته به میزان درجه تأمین‌کنندگی منافع ملی تغییر کرده است. هرچند به اعتقاد برخی، هیچ معیار واحدی نظیر «منافع ملی» را که بتوان سیاست خارجی ایدئولوژیک را با آن در معرض آزمون گذاشت، به سادگی نمی‌توان یافت (ابراهیمی ۱۳۸۸: ۱۳۵-۱۳۴). با وجود این، منافع ملی از سطوح مختلفی چون حفظ حاکمیت و تمامیت سرزمینی، استقلال همه‌جانبه، موقعیت ام‌القرائی در جهان اسلام و... برخوردار می‌شود که از رفتار سیاست خارجی ایران می‌توان این‌گونه استنباط کرد که منافع ایدئولوژیک در بالاترین مرتبه اهمیت قرار دارد.

مکانیسم عملکرد این الگوی تعاملی بر این اصل استوار است که کنش سیاست خارجی بایستی ناظر به سه عنصر منافع ملی، ترجیحات ایدئولوژیک و نیز محدودیت‌های ناشی از ماهیت و ساختار نظام بین‌الملل، سیاست‌گذاری و اجرا شود. برای این منظور، آنچه



برای نظام تدبیرپردازی اصالت داشته و با منافع ملی کشور نیز هم‌تراز می‌باشد، صیانت از ارزش‌های ایدئولوژیک و دینی در رفتار سیاست خارجی است. حال، اگر تعقیب این رفتار در عرصه محیط عملیاتی با محدودیت‌هایی مواجه شده و یا در تزاخم با منافع حیاتی و آنی نظام تلقی گردد، این امکان فراهم است تا با اتخاذ رویکرد عمل‌گرایانه، به صورت تاکتیکی و نه راهبردی، امکان تداوم و حفظ اهداف و آرمان‌های ایدئولوژیک ایجاد شود. طرح نظریه ام‌القرائی نیز به عنوان یکی از راهبردهای عملیاتی‌سازی این دیدگاه ارزیابی می‌شود.



شکل ۱: چهارچوب نظری رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

در ادامه، مفاهیم مورد اشاره در این الگوی تعاملی و نیز نحوه تأثیرگذاری آن بر کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌گردد.

### ۱. هنجارها

ایدئولوژی یا دستگاه فکری و ارزشی حاکم بر آن، یکی از عوامل تأثیرگذار بر روند تصمیم‌سازی و کنش سیاست خارجی بازیگران نظام بین‌الملل است که می‌تواند با ارائه بدیل‌ها و نیز طرح اولویت‌ها در تعیین اهداف سیاست خارجی بازیگران نظام بین‌الملل مؤثر باشد. چنانچه ایدئولوژی را مجموعه‌ای از عقاید مربوط به انسان، اجتماع و نظام سیاسی و اقتصادی دانسته‌اند که برای وصول به این عقاید و اهداف، راه‌ها و برنامه‌هایی را توصیه می‌کند. در نتیجه، ایدئولوژی نه تنها اهداف سیاست خارجی را تعیین می‌کند، بلکه استاندارد اعمال سیاسی را نیز ارزیابی نموده و بر جریان سیاست‌سازی اثرات قاطعی می‌گذارد (بهزادی ۱۳۵۰: ۱۶۷).

ایدئولوژی حاکم در جمهوری اسلامی ایران، ایدئولوژی اسلامی است؛ گونه‌ای از نظام

فکری که به باور مرتضی مطهری، در بردارنده فلسفه زندگی انتخابی، آگاهانه، آرمان خیز و مجهز به منطق بوده و در واقع، یک نظریه کلی، یک طرح جامع، هماهنگ و منسجم است که کمال انسان و تأمین سعادت همگانی، هدف اصلی آن است (مطهری ۱۳۸۶: ۵۴). از این رو، هدف سیاست خارجی می‌بایست در راستای این اهداف، سمت‌گیری و سیاست‌گذاری شود.

هنجارها را می‌توان عامل اصلی در هدایت رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دانست؛ چنانچه طبق قانون اساسی، جمهوری اسلامی خود را موظف به پاسداشت از اسلام و ارزش‌های برآمده از آن می‌داند؛ این اصل در بیان بنیان‌گذار فقید انقلاب اسلامی به وفور مورد تأکید قرار می‌گیرد که:

ما کشور را، کشور ایران نمی‌دانیم، ما همه ممالک اسلامی را از خودمان می‌دانیم، مسلم باید این طور باشد. ما دفاع از همه مسلمین را لازم می‌دانیم (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۱۹: ۴۸۵) و یا اینکه:

ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است. (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۱: ۳۳۶)

لذا، می‌توان این‌گونه پنداشت که رکن رکن در کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی، بُعد ایدئولوژیک آن است و همه ظرفیت‌ها باید در خدمت به این اصل به کار گرفته شود.

## ۲. منافع ملی

هرچند در خصوص منافع ملی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد، با این حال، این مفهوم بیشترین بروز و ظهور خود را درون مکتب واقع‌گرایی و به‌ویژه با کتاب *سیاست میان ملت‌ها: مبارزه برای قدرت و صلح* هانس جی. مورگنتا یافته است. از نظر نویسنده این کتاب، عامل اصلی رفتار دولت‌ها در صحنه بین‌المللی قدرت است (Morgenthau 1954: 9). مورگنتا در اثر دیگری با عنوان *دفاع از منافع ملی: نقدی بر سنجش سیاست خارجی آمریکا*، منافع ملی را ستاره راهنمای دولتمردان در سیاست خارجی و معیاری برای تفکر و قاعده‌ای برای اقدام معرفی می‌کند (Morgenthau 1951: 240-244).

بر این مبنا، عمل سیاست خارجی صرفاً بر پایه محاسبات قدرت و به منظور دستیابی به بیشینه منافع ملی در عرصه بین‌المللی انتظام می‌یابد و در نتیجه، سیاست‌گذاران،

تدبیرپردازان و تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی را به پرهیز از اصول هنجاری و قواعد اخلاقی رهنمون ساخته و به رهبران کشورها هشدار می‌دهد «تا منافع خود را در راه پایبندی به دیدگاه‌های مبهم رفتار اخلاقی قربانی نسازند» (بیلیس و اسمیت ۱۳۸۸: ۳۲۲-۳۲۳).

این در حالی است که بخش قابل توجهی از هنجارها، ارزش‌ها و اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به ایدئولوژی اسلامی که بر هر دو گونه منافع مادی و ایدئولوژیک تأکید داشته، اختصاص دارد. به بیان دیگر، تضمین منافع ملی ایران در ایدئولوژی اسلامی در گرو دستیابی و تحقق این ارزش‌ها و هنجارهای ایدئولوژیک است، اما این بدان معنا نیست که تعقیب اهداف و آرمان‌های ایدئولوژیک به هر قیمتی در دستور کار باشد.

در ادبیات سیاسی امام خمینی با مفاهیمی همچون «عقل سیاسی» و «مصلحت» روبرو هستیم که این دو اصل، بر تنظیم رفتار سیاست خارجی ایران نقش و تأثیر بسیاری داشته است. این بدان معناست که اقتضای مصلحت مبتنی بر عقل سیاسی، بسیاری از مشکلات و تهدیدات بر سر راه کنش سیاست خارجی را مرتفع می‌کند. چنانچه ایشان در جریان جنگ تحمیلی، مخالفت خود با گشودن فصل جدید در سیاست خارجی جنگ و دخالت نظامی مستقیم در لبنان را با اعلام این استراتژی که «راه قدس از کربلا می‌گذرد»، ابراز داشتند و پیکان سیاست خارجی و دفاعی کشور را متوجه جنگ در حال وقوع نمودند. این مسأله نشان‌دهنده ضرورت توجه به امر مصلحت است. راهبرد مذکور، نشانه تقدم بخشیدن به منافع ملی در زمانی است که میان منافع امت‌محور (ایدئولوژیک) و منافع ام‌القری (منافع ملی) تزاخم روی می‌دهد. در واقع، همین تقدم منافع ملی بر منافع ایدئولوژیک نیز خود در درون بافتاری ایدئولوژیک و نه بر مبنای محاسبات عقل‌گرایانه محض قابل فهم است.

### ۳. ماهیت و ساختار نظام بین‌الملل

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر نحوه سیاست‌گذاری و عمل سیاست خارجی بازیگران

۱. عین این عبارت در *صحیفه امام خمینی* وجود ندارد، بلکه بیشتر به مثابه یک استراتژی اعلامی از سوی ایشان برگرفته از سخنرانی امام خمینی در ۳۱ خرداد ۱۳۶۱ مبنی بر لزوم تمرکز و حفظ اولویت جبهه‌های نبرد با رژیم بعث و عدم پراکنده‌کاری در میدان مبارزه است. برای مطالعه بیشتر (ر.ک: امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۱۶: ۳۵۳-۳۵۰).

نظام بین‌الملل، ویژگی‌ها و محدودیت‌های ناشی از ساختار نظام بین‌الملل است. اینکه الگوی حاکم بر مناسبات جهانی از چه مدلی تبعیت می‌کند، می‌تواند بر نوع کنش بازیگران نظام بسیار تأثیرگذار باشد. مثلاً، ساختار جهان دوقطبی در دوره جنگ سرد و یا جهان تک‌قطبی، جهان چندقطبی و یا چند مرکزی پس از آن، هر یک به نحوی با تخصیص ارزش‌های خود در سطح نظام بین‌الملل، به نوعی بر رفتار بازیگران نظام تأثیر گذاشته و انتخاب‌های آنها را به بدیل‌های ممکن محدود می‌کنند (ر.ک: حسینی متین ۱۳۹۰: ۱۲۳-۱۰۷؛ فرجی ۱۳۹۲: ۱۱۲-۸۹).

عمل سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز با تغییر در محیط نظام بین‌الملل، راهبردهای مختلفی به خود گرفته و تنوعی از سیاست‌های مختلف را شکل داده است. چنانچه ظهور اشکال مختلف رفتار سیاست خارجی از «سیاست نه شرقی - نه غربی» و عدم تعهدگرایی در دوره جهان دوقطبی و سیاست نگاه به شرق، سیاست منطقه‌گرایی، سیاست چندجانبه‌گرایی، سیاست ضد هژمون‌گرایی در دوره پس از آن را شاهد هستیم. تأمل در سیاست‌های اعلامی ایران طی چهار دهه اخیر، شواهد متعددی را نشان می‌دهد که منطبق بر انگاره‌های ایدئولوژیک، ساختار نظام بین‌الملل و نظم موجود به علت تبعیت از خواست قدرت‌های هژمون، همواره از منظر سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان جمهوری اسلامی، ماهیتی ناعادلانه داشته و نظم موجود، صرفاً در راستای تولید و بازتولید ثروت و قدرت برای بازیگران قدرتمند نظام بین‌الملل عمل می‌کند که همین امر موجب می‌شود نظم و نظام بین‌الملل موجود، به مثابه ابزاری برای تسلط هرچه بیشتر قدرت‌های هژمون بر منابع و ثروت دیگر ملت‌های جهان به کار گرفته شود.

در همین چهارچوب،<sup>۱</sup> امام خمینی موضع خود را نسبت به نظم و نظام بین‌الملل وقت اینچنین اعلام می‌کنند: «ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم در جهان هستیم» (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۲۱: ۸۱) و یا اینکه در نامه تاریخی خود به میخائیل گورباچف، صدر هیأت رئیسه اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، با کاربست چهارچوب نظری ایدئولوژیک‌محور به نقد نظام سرمایه‌داری غربی و الگوی مارکسیستی می‌پردازد و هر دو نظام را فاسد و محکوم به زوال معرفی می‌کند (ر.ک: امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۲۱: ۲۲۰).

۱. برای اطلاع بیشتر از رویکرد و موضع امام خمینی نسبت به دو اردوگاه شرق و غرب ر.ک: امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۲۰: ۳۱۸؛ ج ۲۱: ۶۸ و ج ۲۱: ۳۲۷.

با این وصف، به نظر می‌رسد هسته سخت رفتار سیاست خارجی ایران بر اساس ارزش‌های ایدئولوژیک انتظام یافته و هرگونه تغییر عمل‌گرایانه، نه بر اساس نگاه راهبردی، بلکه بر اساس رویکردی تاکتیکی انتخاب شده است. به بیان دیگر، تصمیم‌گیری راهبردی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نه به دلیل ماهیت و ساختار نظام بین‌الملل، بلکه به واسطه ارزش‌های ایدئولوژیک سیاست‌گذاری و اجرا می‌شود و محدودیت‌های ناشی از ساختار، صرفاً بر کنش تاکتیکی ایران تأثیرگذار است.

### تبیین نظری اهداف ایدئولوژیک انقلاب اسلامی در حوزه سیاست خارجی و بازتاب‌های آن

با توجه به اینکه انقلاب اسلامی ایران، اساساً در دسته‌بندی انقلاب‌های ایدئولوژیک قرار می‌گیرد، به تبع، اصول ایدئولوژیک در تعیین اصول و قوانین حاکم بر رفتار جمهوری اسلامی، بیشترین سهم را به خود اختصاص می‌دهند. بازتاب این ویژگی در حوزه سیاست خارجی را می‌توان در مقدمه قانون اساسی (ذیل شیوه حکومت در اسلام)، اصل سوم (بند ۱۶) و نیز اصول ۱۵۲ تا ۱۵۵ قانون اساسی مشاهده کرد. اصولی که بر حفظ استقلال و تمامیت ارضی، آرمان تشکیل امت واحده اسلامی، حمایت از جنبش‌های رهایی‌بخش و اسلامی، حمایت از مستضعفان و نیز تقابل‌گرایی با سلطه‌گران جهانی تأکید دارد، نشان‌دهنده میزان تأثیرگذاری ایدئولوژی انقلاب بر سمت‌گیری‌های سیاست خارجی ایران در دوره پساانقلاب است.

تأمل در رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از وجود هنجارها، اصول و اهداف ایدئولوژیک بسیاری حکایت دارد که طی دهه‌های اخیر بروز و ظهور یافته است. قدر مسلم در این تحقیق، فرصت کافی برای پرداختن به تمامی این موارد نیست و لاجرم برای بررسی صدق فرضیه پژوهش، تنها به بخشی از مهم‌ترین آنها همچون استقلال‌طلبی، جهان‌گستری اسلامی، بین‌الملل‌گرایی اسلامی و ضد هژمون‌گرایی اشاره می‌شود.

بر این اساس و به منظور کاوش پیرامون فرضیه اصلی این تحقیق، در ابتدا به میزان درهم‌تنیدگی مبانی ایدئولوژیک با اصول و راهبردهای کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی اشاره نموده و در ادامه به بازتاب‌های آن در حوزه عمل سیاست خارجی می‌پردازیم. به نظر می‌رسد این درهم‌تنیدگی چندلایه، بافتار مقاوم و سختی

از الگوی کنش در این عرصه را پدید آورده است که بر محوریت ایدئولوژی انتظام یافته و پوسته نرم آن - انتخاب‌های سیاست خارجی - در تعامل با محدودیت‌های ناشی از ماهیت و ساختار نظام بین‌الملل، بر اساس اصل «اجتناب‌ناپذیری»<sup>۱</sup>، تاکتیک‌های متفاوتی را دنبال می‌کند.

### ۱. استقلال و عدم جواز به دخالت بیگانگان در امور داخلی

یکی از مهم‌ترین اصول و اهداف انقلاب اسلامی، نیل به استقلال در عرصه بین‌المللی و در نتیجه، عدم جواز به دخالت بیگانگان در امور داخلی کشور است که در فقه سیاسی اسلام ریشه داشته و به قاعده «نفی سبیل» مشهور است. استناد قرآنی این قاعده متکی بر آیه ۱۴۱ سوره نساء<sup>۲</sup> بوده و در تأیید آن ادله روایی متعددی نیز اقامه شده است. فاضل لنکرانی این قاعده را حاکم بر ادله اولیه احکام می‌داند، بدین معنا که مفاد آنها تا جایی درست است که موجب تسلط کفار بر مسلمانان نشود؛ در غیر این صورت، قاعده «نفی سبیل» جلوی آن ادله را گرفته و مفاد خود را بر مفاد اولیه آن مقدم می‌کند (فاضل لنکرانی ۱۳۸۳: ۲۴۸). نحوه مواجهه دستگاه دیپلماسی کشور با محدودیت‌ها و موانع محیط عملیاتی نظام بین‌المللی در تحقق آرمان استقلال و منع سلطه، یکی از مواردی است که اصل اجتناب‌ناپذیری در تعقیب اهداف و آرمان‌های ایدئولوژیک در حوزه سیاست خارجی را به خوبی نشان می‌دهد. در واقع، بازتاب این اصل در رفتار سیاست خارجی پیامدهای گسترده‌ای دارد.

از این منظر، پیگیری این هدف در سیاست خارجی دو پیامد مهم به همراه خواهد داشت. نخست، محدود کردن کنش سیاست خارجی و دوم، سوق دادن دستگاه سیاست خارجی به سمت اتخاذ راهبردهای عمل‌گرایانه. چنانچه در پیامد نخست، پذیرش و عضویت در کلیه سازمان‌ها، اتحادیه‌ها، قراردادهای پیمان‌ها، کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی مستلزم رعایت این اصل است. این اصل در کنار تعارضات ماهوی ارزش‌های نظام مسلط بین‌المللی و نیز موازین و ساز و کارهای کنش در این عرصه، بدیل‌های سیاست خارجی را بسیار محدود کرده و موجب می‌شود عضویت و

1. Inevitability

۲. ... وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ ... و خداوند هرگز بر [زبان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.

پذیرش در بسیاری از نهادها، معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی همچون معاهدات و کنوانسیون‌های مرتبط با زنان، حقوق بشر و... میسر نباشد و یا عضویت در آنها با رعایت حق شرط<sup>۱</sup> انجام پذیرد؛ به طوری که از ۲۵ معاهده بین‌المللی موجود در زمینه حقوق بشر، دولت جمهوری اسلامی ده معاهده را تصویب و تنها دو مورد را امضا کرده است. از این میان، دو معاهده با اعلام حق شرط و مابقی بدون قید و شرط و به صورت مطلق پذیرفته شده است (ر.ک: حبیب‌زاده ۱۳۸۳).

نمونه دیگر در این زمینه، پذیرش برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) است. هرچند به باور بسیاری از ناظران بین‌المللی، پذیرش برجام به نوعی نشانه کم‌رنگ شدن ترجیحات ایدئولوژیک و آرمان‌گرایانه ایران در عرصه سیاست خارجی است، اما دیدگاه سیاست‌گذاران و مجریان دستگاه سیاست خارجی در تأیید فرضیه این تحقیق اقامه شده است؛ چنانچه عباس عراقچی، معاون سیاسی وزارت امور خارجه ضمن تصریح بر «تاکتیکی بودن برجام و نه راهبردی بودن آن» چنین اظهار کرده است:

قرار نبود که مذاکرات هسته‌ای منجر به تغییرات راهبردی در روابط ما با آمریکا یا غرب شود، بلکه هدف خارج کردن کشور از بعضی مشکلات و فشارها و نیز تحمیل خواسته‌های هسته‌ای ما به طرف مقابل بود.<sup>۲</sup>

در واقع، چنانچه اشاره شد قبول برخی از معاهدات بین‌المللی و اتخاذ سیاست عمل‌گرایانه به معنای عدول ایران از اصول ایدئولوژیک خود نیست، بلکه این سیاست بیشتر به‌عنوان یک تاکتیک برای تأمین ضرورت‌ها و نیازمندی‌های فوری کشور اتخاذ می‌شود و تا زمانی که دیگر طرف‌ها به تعهدات خود ملتزم بمانند و از آن عدول نمایند، این سیاست نیز اعتبار خواهد داشت.

بر این اساس، عمل‌گرایی ناشی از پذیرش هنجارها و ارزش‌های نظام بین‌المللی به معنای عدول ایران از ترجیحات ایدئولوژیک خود نیست، بلکه این اقدام یا بر اساس وجود هنجارهای مشترک، عام و جهان‌شمول و یا با رعایت حق شرط و در چهارچوب اصل اجتناب‌ناپذیری انجام می‌شود؛ چرا که ایدئولوژی اسلامی از مبانی نظری متمایزی با رویکرد غربی در حوزه‌های مبنایی مانند هستی‌شناسی، انسان‌شناسی

#### 1. Reservation

۲. گفتگوی اختصاصی پایگاه خبری تحلیلی مثلث با سیدعباس عراقچی در تاریخ ۹۷/۱/۱۴ با عنوان «نگاه رهبری به برجام تاکتیکی بود» قابل دسترس در: [www.mosalas.com](http://www.mosalas.com).

و معرفت‌شناسی برخوردار بوده و بنابراین، امکان پذیرش بی‌قید و شرط هنجارها و ارزش‌های غیر، برای آن وجود ندارد.

در نتیجه، هرچند این امر (پذیرش مشروط کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی) برای غالب بازیگران نظام بین‌الملل صدق می‌کند و هر یک از آنها مبتنی بر ارزش‌های درونی خود به کنش در این عرصه می‌پردازند، اما در مورد جمهوری اسلامی ایران، این امر به میزان بالایی از هنجارهای فراملی (اسلامی) نشأت گرفته و معیار تعیین‌کننده رفتار ایران در عرصه روابط خارجی بسیار زیاد تحت تأثیر ترجیحات ایدئولوژیک آن قرار دارد.

## ۲. جهان‌گستری اسلامی

تأکید بر جهان‌شمولی اسلام یکی از مهم‌ترین موضوعات در اندیشه سیاسی اسلام است که به طور مکرر در متون مقدس دینی همچون آیه ۲۸ سوره سبأ<sup>۱</sup> مورد تأکید قرار گرفته بر این ادعا استوار است که اسلام، دین جهان‌شمولی است که مسئولیت بسط و گسترش آن نیز حسب ادله روایی چون «کلکم راع، و کلکم مسئول» (خطیب بغدادی ۱۴۱۷ ج ۲۳: ۲۴۰) بر عهده همه افراد جامعه اسلامی قرار دارد. بر همین اساس، انتظام سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر پایه صدور اسلام به عنوان یک مکتب انسان‌ساز و جهانی قرار دارد و لذا، یکی از اصول و راهبردهای ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در حوزه کنش سیاست خارجی، میل و قصد آن برای تحقق حاکمیت الهی و بسط و گسترش جهانی ارزش‌های اسلامی است. این ایده که در اشکال گوناگون و در اضافات ترکیبی متفاوتی همچون صدور اسلام، صدور ارزش‌های اسلامی، صدور معنویات اسلامی، صدور معنوی اسلام، صدور نهضت، صدور جمهوری اسلامی و صدور تجربه به کار رفته، نشان از اهمیت آن در تنظیم روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد.

از جمله نموده‌های این رویکرد، طرح نظریه «ام‌القرائی» است که بر اساس آن، ایران در کانون جهان اسلام قرار داشته و به‌عنوان ام‌القرای، هسته مرکزی حکومت جهانی اسلام بوده و نقش تعیین‌کننده‌ای نیز در رهبری جهان اسلام بر عهده دارد. اما در عرصه عمل، این سؤال مطرح است که در صورت بروز تزاخم میان منافع امت و منافع ام‌القرای، کدام یک از این دو از تقدیم و ترجیح برخوردار خواهد بود که این

۱. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ...؛ و ما تو را جز [به سمت] بشارتگر و هشداردهنده برای تمام مردم نفرستادیم...».



نظریه پاسخ می‌دهد: «همواره مصالح امت اولویت دارد؛ مگر اینکه هستی ام‌القرای که حفظ آن بر همه امت (نه تنها بر مردم ام‌القرای) واجب است، به خطر افتد» (لاریجانی ۱۳۶۹: ۵۲) در واقع، این نظریه نیز در ذات خود از نوعی عمل‌گرایی بهره می‌گیرد. حفظ ام‌القرای به گونه‌ای نشان‌دهنده ترجیح و تقدیم منافع ملی (به عنوان ام‌القرای) بر منافع امت در صورت بروز تراحم است. چنانچه نظریه پرداز این دیدگاه در این باره چنین تصریح می‌کند که «ما وقتی به بیرون مرزهای خود نگاه می‌کنیم، اغراضمان از دو مقوله خارج نیست: صدور انقلاب و حفظ ام‌القرای؛ و اگر در مقطعی تراحمی به بار آید، اولویت با حفظ ام‌القراست» (لاریجانی ۱۳۶۹: ۵۳).

علاوه بر امکان بروز تراحم در منافع ام‌القرای و منافع امت، یکی دیگر از محدودیت‌ها و موانع موجود در پیاده‌سازی و عملیاتی کردن راهبرد جهان‌گستری اسلامی، وجود ایدئولوژی رقیب در جهان اسلام است. در واقع، این موضوع به این واقعیت اشاره دارد که مشخصه بارز جهان اسلام، وجود پراکندگی و اختلافات کلامی و فقهی بسیار وسیعی است که در این بین، دیدگاه شیعی در اقلیت است و پذیرش ایران به عنوان ام‌القرای به دلیل رقابت‌های ایدئولوژیک با چالش‌های فراوانی روبروست.

نخستین سؤالی که در این خصوص مطرح می‌شود اینکه دعوت به اسلام بر اساس کدام یک از منطق‌های درون‌گفتمانی اسلام انجام می‌شود؟ بی‌تردید، سیاست‌های اسلام‌گرایانه ایران در جهان اسلام در واقع به عنوان ترویج و گسترش گفتمان و قرائت شیعی از اسلام تلقی می‌شود که این مهم، به تشدید رقابت‌های سنتی - مذهبی در جهان اسلام طی دهه‌های اخیر منتهی شده است. چه اینکه در تحولات اخیر در منطقه خاورمیانه، در مقابل حمایت ایران از جبهه مقاومت (عراق، سوریه و لبنان)، شاهد افزایش حمایت‌های جبهه عربی به رهبری عربستان سعودی برای مقابله با آن در سطح منطقه و جهان اسلام هستیم. همین امر موجب تأکید بر ضرورت «بازاریابی سیاسی صدور انقلاب اسلامی» شده تا بر اساس آن و به تناسب جذابیت‌ها و نیازمندی‌های جوامع هدف، صدور انقلاب سیاست‌گذاری و اجرا شود (ر.ک: افتخاری و راجی ۱۳۹۶).

در مجموع، به نظر می‌رسد راهبرد جهان‌گستری اسلامی علی‌رغم وجود برخی موانع در محیط عملیاتی، همچنان در هسته سخت رفتار سیاست خارجی ایران قرار داشته و حمایت ایران از جبهه مقاومت در منطقه طی دهه‌های اخیر نیز بر اولویت این راهبرد در تنظیم رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دلالت دارد.

### ۳. بین‌الملل‌گرایی اسلامی

یکی دیگر از اصول و اهداف ایدئولوژیک انقلاب اسلامی در عرصه سیاست خارجی، تلاش برای تحقق ایجاد وحدت و همگرایی در جهان اسلام است؛ به طوری که در اصل یازدهم<sup>۱</sup> قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز با اشاره به آیه ۲۱ سوره انبیاء، سیاست کلی ایران انقلابی بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی معرفی شده و دولت نیز موظف است برای تحقق وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام تلاش پیگیر داشته باشد. از دیدگاه امام خمینی نیز مهم‌ترین دستور کار سیاست خارجی پس از تحقق و استقرار حکومت اسلامی، تلاش برای همگرایی و وحدت میان کشورهای اسلامی است. از نظر ایشان، این مهم نه یک مقوله انتزاعی، بلکه یک ضرورت کاربردی است. چنانچه در این رابطه می‌فرمایند:

برنامه ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمانان است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمانان است در تمام نقاط عالم، هم‌پیمانی با تمام دولت اسلامی است در سراسر جهان (امام خمینی ۱۳۸۹ ج: ۱: ۳۳۶).

از این رو، در عرصه عمل نیز شاهد اقدامات گسترده‌ای در جهت تحقق این آرمان در سطح بین‌المللی هستیم که این مهم در قالب‌های متنوعی همچون تأسیس نهادها و سازمان‌های اسلامی بین‌المللی، برگزاری کنفرانس‌ها و اجلاس‌های سران کشورهای اسلامی و نیز اندیشمندان اسلامی، حضور فعال در سازمان‌های اسلامی بین‌المللی، حمایت از تأسیس احزاب، تشکل‌های سیاسی، دینی و نظامی در برخی کشورهای اسلامی پیگیری و اجرا شده است.

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین نمودهای سیاست جهان‌گستری اسلامی، حضور فعالانه جمهوری اسلامی ایران در برگزاری هشتمین کنفرانس سران کشورهای اسلامی در آذرماه ۱۳۷۶ است. رویدادی که در بازسازی روابط ایران با کشورهای اسلامی به خصوص جهان عرب، نقش بسزایی داشت. هرچند به دلیل وجود عوامل مختلف دورن سازمانی و برون‌سازمانی، دستیابی به همگرایی در چهارچوب این نهاد بین‌المللی

۱. اصل یازدهم قانون اساسی: به حکم آیه کریمه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» همه مسلمانان یک امتند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد ([http://rc.majlis.ir/fa/content/iran\\_constitution](http://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution)).

اسلامی همواره با چالش‌های جدی روبرو بوده است (ر.ک: نواختی و انوریان ۱۳۹۰). تلاش برای تأسیس «اتحادیه بین‌المجالس اسلامی» یکی دیگر از نتایج و بازتاب‌های عینی این اصل در رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. برگزاری نخستین کنفرانس اتحادیه بین‌المجالس اسلامی (کنفرانس تأسیس) در خرداد ۱۳۷۸ به میزبانی تهران و تصویب اساسنامه آن<sup>۱</sup> را می‌توان یکی از اقدامات جدی ایران در راستای تقویت و تحکیم روابط جهان اسلام با یکدیگر و تلاش برای همگرایی بین‌المللی اسلامی تلقی کرد. یک نمونه دیگر از تلاش‌های ایران در این زمینه می‌توان به تشکیل مجامع، تشکل‌ها و اتحادیه‌های بین‌المللی اسلامی همچون مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام)، مجمع جهانی بیداری اسلامی و نیز برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی اسلامی متعدد مثل کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی<sup>۲</sup> اشاره کرد.

در مجموع، به نظر می‌رسد علی‌رغم برخی محدودیت‌ها بر سر راه همگرایی اسلامی، جمهوری اسلامی ایران با تلاش گسترده در راستای جهان‌گستری اسلامی در عرصه بین‌الملل، می‌کوشد با ایجاد اتحاد و همگرایی در جهان اسلام، خود را به یک بازیگر فعال، تعیین‌کننده و مقاوم در برابر سیاست‌های قدرت‌های هژمون تبدیل سازد.

#### ۴. ضدهژمون‌گرایی

یکی دیگر از اصول اساسی انقلاب اسلامی در حوزه سیاست خارجی، غیریت‌سازی با اردوگاه کفر و نیز ضدیت و تقابل با برتری‌جویی قدرت‌های جهانی است. این اصل که همچون دیگر اصول مذکور، ریشه در آموزه‌ها و نصوص مقدس دینی دارد؛ بر این حدیث نبوی مستند است که «الاسلامُ یعلو ولا یُعْلَى عَلَیْهِ» (صدوق ۱۳۹۰ ج ۴: ۲۴۳ ح ۷۷۸). از این منظر، منطق اسلام در حوزه سیاست خارجی بر علو اسلام و نفی تفوق کفار بنیان نهاده شده است.

1. <http://www.icana.ir/Fa/News/245992>

۲. تا زمان نگارش این مقاله، سی و دو دوره از کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی به میزبانی جمهوری اسلامی ایران برگزار شده است.

یکی دیگر از استنادات این اصل، وجود دوگانه مفهومی<sup>۱</sup> «سبیل الرشد» و «سبیل الطاغوت» است؛ چنانچه در این رابطه قرآن کریم در آیه ۷۶ سوره نساء می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ...»<sup>۲</sup>؛ در واقع، یکی از مهم‌ترین واژگان در نحوه شکل‌گیری و تکوین این اصل در رفتار سیاست خارجی اسلامی «طاغوت» است. طوری که سیاست خارجی دولت اسلامی، می‌بایست بر نفی سلطه طاغوت و در مقابل، بر استقرار حاکمیت «الله» سمت‌گیری و انتظام یابد؛ چنانچه از این اصل به عنوان یکی از اهداف ارسال انبیاء یاد شده است. چنانچه در قرآن کریم آمده است: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَن هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَن حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ»<sup>۳</sup> (النحل: ۳۶).

لذا، اساس سیاست‌گذاری در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر محور تقابل و ضدیت با طاغوت‌ها بنیان نهاده شده است.

امام خمینی در ترسیم وضعیت کنونی جهان ضمن اشاره به خوی استکباری قدرت‌های جهانی، از ساختار نظام بین‌الملل موجود نیز چنین انتقاد می‌کند که:

دنیا امروز گرفتار جهان‌خواران و غارتگرانی است که کشورها را به آتش می‌کشند و غارت می‌کنند و نیز گرفتار وابستگان آنان است که منافع ملتها و کشورهای خود را فدای منافع ابرقدرت‌ها می‌کنند و همچنین گرفتار سازمانهای دست‌نشانده قدرتهای بزرگ بویژه امریکاست که با اسم بی‌محتوای شورای امنیت و عفو بین‌المللی و حقوق بشر و از این قبیل مفاهیم بی‌محتوا که به قدرتهای بزرگ خدمت می‌کنند و در حقیقت مجری احکام و مقاصد آنان و مأمور محکوم نمودن مستضعفان و مظلومان جهان به نفع قدرتهای بزرگ جهان‌خوار هستند» (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۱۷: ۳۰۶).

#### 1. Dichotomy.

۲. کسانی که ایمان آورده‌اند در راه خدا کارزار می‌کنند و کسانی که کافر شده‌اند در راه طاغوت می‌جنگند...

۳. و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید] خدا را بپرستید و از طاغوت [غریب‌گر] بپرهیزید پس از ایشان کسی است که خدا [او را] هدایت کرده و از ایشان کسی است که گمراهی بر او سزاوار است.

استکبارستیزی و ضدیت با هژمون‌گرایی یکی از اصول بنیادی در حوزه عمل سیاست خارجی برآمده از انقلاب اسلامی است. هرچند این اصل با نخستین اصل مورد اشاره (استقلال‌طلبی) همپوشانی بسیاری دارد، با این حال، آنچه در این اصل مورد تأکید قرار گرفته فراتر از منافع ملی (منافع‌الم‌القرآ) بوده و بیشتر متمرکز بر منافع امت است.

به نظر می‌رسد نوع کنش سیاست خارجی عمل‌گرایانه و ایدئولوژیک در این اصل، منطبق بر یکدیگر بوده و کلیه سیاست‌های اعلانی و اعمالی در یک رابطه تلازمی با یکدیگر قرار دارند. نمونه برجسته و صادق این مدعی، اتخاذ سیاست تقابل‌گرایانه با سیاست‌های مداخله‌جویانه و برتری‌طلبانه ایالات متحده در جهان اسلام به طور عام و خاورمیانه به طور خاص است.

### نتیجه‌گیری

چنانچه اشاره شد، عمل تنظیم سیاست خارجی با هدف تأمین اهداف و اولویت‌های هر یک از بازیگران نظام بین‌الملل، بر اساس متغیرهای مختلفی انجام می‌پذیرد. در این بین، متغیرهای سیستمی همچون ساختار نظام سیاسی، منابع قدرت ملی، ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و... نیز متغیرهای محیطی همچون ساختار نظام بین‌الملل، وضعیت ثبات و یا منازعه در سطح سیستم و یا مناطق زیرسیستمی، نحوه تخصیص ارزش‌ها و نیز توزیع قابلیت‌ها در سطح سیستم و... مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر نحوه کنش بازیگران در عرصه سیاست داخلی و خارجی هستند. بر این اساس، کلیه کنشگران نظام بین‌الملل سعی دارند تا به بیشینه منافع ملی در سطح نظام دست یابند.

وفق نظریه رئالیسم نئوکلاسیک، عمل تنظیم سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران نیز همانند دیگر کنشگران نظام بین‌الملل، تحت تأثیر دو دسته از عوامل سطح بازیگر و نظام قرار دارد. بررسی رفتار دولت‌های مستقر پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نشان‌دهنده آن است که کنش سیاست خارجی ایران در یک رابطه تعاملی سه‌جانبه پویا میان تلاش برای حراست و تحصیل منافع ملی، وجود محدودیت‌ها و تضییقات ناشی از نظام بین‌الملل و نیز وجود ترجیحات ایدئولوژیک و آرمان‌گرایانه قرار دارد.

بر این اساس، تغییر در نوع کنش و رفتار سیاست خارجی ایران در هر دوره موجب شده تا چنین به نظر آید که سیاست خارجی ایران در دوراهی عمل‌گرایی

و آرمان‌گرایی در نوسان است. چنانچه به باور برخی از پژوهشگران، هرچند سیاست خارجی ایران در دوره انقلابی (پیروزی انقلاب تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد) بیشتر بر مدار ترجیحات ایدئولوژیک و آرمان‌گرایانه آن انتظام می‌یافت، با این حال، در دوره‌های پس از آن تلاش شده تا ایران به بازیگری منطقی، فعال و عمل‌گرا در عرصه بین‌المللی ارتقا یابد.

برخی این برداشت (تغییر سمت‌گیری سیاست خارجی از ایدئولوژیک به عمل‌گرا) را ناشی از تقدیم و ترجیح منافع ملی بر منافع فراملی در دوره جدید دانسته‌اند که طرح نظریاتی همچون ام‌القرائی با هدف اولویت حفظ ام‌القراء نیز در همین راستا ارزیابی شده است.

با این حال، به نظر می‌رسد این تغییر عمل‌گرایانه در عرصه سیاست خارجی را نمی‌توان به معنای کم‌رنگ شدن و در انزوا قرار گرفتن ترجیحات ایدئولوژیک سیاست خارجی جمهوری اسلامی تلقی کرد؛ ایده‌ای که نوشتار پیش‌رو در این رابطه مطرح ساخته، وجود اصل اجتناب‌ناپذیری در عرصه روابط بین‌المللی است. بر اساس این اصل، کنش سیاست خارجی به منظور حفظ و صیانت از ماهیت نظام سیاسی و نیز جلوگیری از بروز محدودیت‌ها و هزینه‌های بیشتر برای عمل سیاست خارجی، تلاش می‌کند تا رویکردی عمل‌گرایانه در پیش گیرد که این به معنای عبور از ترجیحات ایدئولوژیک نخواهد بود چه اینکه ادله بسیاری نیز برای بقای این ترجیحات ایدئولوژیک در عرصه سیاست خارجی ایران وجود دارد که در این مقاله به بخشی از آنها اشاره شد.

این پژوهش بر این مدعا استوار است که اتخاذ سیاست عمل‌گرایی در عرصه سیاست خارجی ناشی از وجود محدودیت‌ها در منابع قدرت ملی و نیز محدودیت‌های ناشی از ساختار نظام بین‌المللی باشد. از این رو، به نظر می‌رسد این کنش‌های عمل‌گرایانه بیشتر به عنوان یک نگرش تاکتیکی و نه راهبردی و نیز متأثر از اصل اجتناب‌ناپذیری تلقی شود. در صورت تأیید این مدعا، می‌توان چنین استنتاج کرد که هسته سخت رفتار سیاست خارجی ایران، همچنان آرمان‌گرایانه بوده و ترجیحات ایدئولوژیک همچنان مهم‌ترین عامل در تعیین راهبردهای و سیاست‌های ایران در حوزه روابط خارجی است.

## منابع

- ابراهیمی، شهروز (۱۳۸۸) «بررسی واسازانه نقش ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران و پیوند آن با واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی»، *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، سال اول، شماره چهارم، صص. ۱۳۸-۱۱۵.
- افتخاری، اصغر و راجی، محمدهادی (۱۳۹۶) «بازاریابی سیاسی صدور انقلاب اسلامی»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال هفتم، شماره ۲۲، صص. ۱-۲۲.
- بهزادی، حمید (۱۳۵۰) «ایدئولوژی و تأثیر آن بر تصمیم‌گیری و سیاست خارجی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۸، صص. ۱۸۲-۱۶۷.
- بیلینس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۸۸) *جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین* (زمینه تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها و فرایندها)، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- جلیلووند، سعید و مرادی، مریم (۱۳۹۲) «نهاد دفاعی و امنیتی اتحادیه اروپا از طرح تا عمل (۲۰۱۳-۱۹۴۵)»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره دوم، شماره دوم، صص. ۱۶۲-۱۳۵.
- حبیب‌زاده، توکل (۱۳۸۳) «جمهوری اسلامی ایران و حق شرط بر معاهدات بین‌المللی حقوق بشر»، *فصلنامه دین و ارتباطات*، شماره ۲۴، صص. ۱۴۰-۱۱۱.
- حسن‌پور، جمیل و ذاکریان، هدی (۱۳۸۸) «تأثیر ایدئولوژی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با جمهوری خلق چین»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، شماره ۶، صص. ۳۲-۱۲.
- حسینی متین، سیدمهدی (۱۳۹۰) «ساختار نظام بین‌الملل تک‌قطبی و تأثیر آن بر سیاست خارجی»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۱، شماره ۲، صص. ۱۲۳-۱۰۷.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷) *فهارس تاریخ بغداد*، دراسة و تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- خمینی (امام)، روح‌الله (۱۳۸۹) *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- زیباکلام، صادق، عرب‌عامری، جواد (۱۳۹۳) «منابع غیرمعارف انرژی و جایگاه خلیج فارس در سیاست امنیت انرژی ایالات متحده» *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیستم، شماره ۱، صص. ۱۹۸-۱۷۳.
- صدوق، محمد بن حسین (۱۳۹۰ ق) *من لا یحضره الفقیه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۳) *القواعد الفقهیة*، قم: مرکز فقه الائمه الاطهار (علیهم السلام).
- فرجی، محمدرضا (۱۳۹۲) «فرایند تحول و تکامل ساختار بین‌الملل»، *فصلنامه پارسه*، سال ۱۳، شماره ۲۰، صص. ۸۹-۱۱۲.

- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۶۹) *مقولاتی در استراتژی ملی*، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶) *انسان و ایمان*، تهران: صدرا.
- نواختی، امین و انوریان، حامد (۱۳۹۰) «چالش‌های همگرایی در میان کشورهای اسلامی (مطالعه موردی سازمان کنفرانس اسلامی)» *نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی*، سال ۱۴، شماره‌های ۳۴-۳۵، صص. ۲۲۷-۱۹۳.
- نیاکویی، سیدامیر و صفری، عسگر (۱۳۹۶) «راهبرد هسته‌ای متفاوت ایران؛ تبیین از دریچه واقع‌گرایی نئوکلاسیک» *فصلنامه سیاست جهانی*، شماره دوم، صص. ۱۲۲-۸۵.
- Javaid, U and et al (2016) "Role of Ideology in Foreign Policy: A Case Study of Iran". **Political Relations**, Vol. 23, Issue 37, 37-47.
- Khalili, E (2016) "The Foreign Policy of Islamic Republic of Iran: Ideology and Pragmatism in Iran". **International Academic Journal of Social Sciences**, Vol. 3, 5, 28-34.
- Kristol, I., (1985). "Foreign Policy in an age of Ideology". **The National Interest**, No. 1: 6-15.
- Levi, W (1970) "Ideology, Interests, and Foreign Policy". **International Studies Quarterly**, Vol. 14, No. 1, 1- 31.
- Morgenthau, H. (1951). **In Defense of the National Interest: a Critical Examination of American Foreign Policy**. New York: Knopf.
- Morgenthau, H. (1954). **Politics among Nations: The Struggle for Power and Peace**. New York: Knopf.
- Ramazani, R. K. (2004). "Ideology and Pragmatism in Iran's Foreign Policy". **Middle East Journal**, Vol. 58, No. 4, 549-559.
- Rose, G. (1998). "Review: Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy". **World Politics**, Vol. 51, No. 1, 144-172.
- Schweller, Randall L (2003) The Progressiveness of Neoclassical Theory of Underbalancing , **International Security**, Vol 29, No 2
- گفتگوی اختصاصی پایگاه خبری تحلیلی مثلث با سیدعباس عراقچی در تاریخ ۹۷/۱/۱۴ با عنوان «نگاه رهبری به برجام تاکتیکی بود». قابل دسترس در: [www.mosalas.com](http://www.mosalas.com)
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. قابل دسترس در سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به نشانی [http://rc.majlis.ir/fa/content/iran\\_constitution](http://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution)
- «تاریخچه و فلسفه تشکیل اتحادیه مجالس کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی». قابل دسترس در: <http://www.icana.ir/Fa/News/245992>